یادداشت

شمارش معکوس برای نابودی رژیم صهیونیستی

سیدعبدالله متولیان
کارشناس سیاسی

رژیم صهیونیستی روز دهم مرداد خط قرمز را شکسته و با زیر پا گذاشتن همه قواعد و قوانین بین‌المللی، اقدام به ترور اسماعیل هنیه که به عنوان میهمان در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور ایران شرکت داشت، کرد. در پی این اقدام، تروریست‌های صهیونیست با ورود به جنگ روایتگری، موج عظیمی از روایات جعلی و دروغین با هدف جابه‌جایی برنده و بازنده را به راه انداخته و سعی کرده و می‌کنند بر خلاف حقایق آشکار و مستندات موجود، خود را نزد افکار عمومی برنده و صاحب ابتکار عمل و طرف مقابل را بازنده و در مقام عکس‌العمل معرفی کنند. در این باره چند نکته قابل توجه است:

۱- اشغالگران صهیونیست (مانند اشرار و دزدان راهزن که فاقد هویت ملی بوده و صرفاً به دلیل منفعت مشترک در غارتگری، گرد هم جمع شده‌اند) هیچ ویژگی و سنخیتی با ملت ندارند. ملت به هویت ملی و نخ تسبیح ارتباطی از یکسو و چسب و انسجام فرهنگی از سوی دیگر نیاز دارد، در حالی که تروریست‌های اشغالگر فاقد هرگونه ویژگی ملت بوده و تعدادی افراد بی‌هویت و بی‌سرزمین هستند که از چهار گوشه جهان حول محور تصرف بیت‌المقدس و متلاشی جبهه اسلامی قبل از ظهور و حضور حضرت صاحب‌الزمان گرد هم جمع شده‌اند. یکی از مشاغل اصلی اشغالگران صهیونیست که برای آن رشته و مدرک دانشگاهی تعریف کرده‌اند شغل ترور است. این جمع تروریست تا کنون ۲۷۰۰ ترور در سراسر جهان را در کارنامه خود ثبت کرده‌اند.

۲- تا پیش از عملیات آفندی و محیرالعقول طوفان الاقصی، رژیم صهیونیستی بر اساس اصول دکترین چهاروجهی «بن گوریون» شامل «اصل افزایش قدرت بازدارندگی تا جایی که حتی فکر حمله به اسرائیل هم به ذهن دشمن خطور نکند»، «اصل حفظ برتری اطلاعاتی به دلیل فقدان عمق استراتژیک رژیم»، «اصل انتقال منطقه نبرد به قلمرو دشمن و امتیازگیری و گسترش جغرافیای رژیم» و «اصل دفاع از شهروندان اشغالگر خود در مقابل حملات هوایی»، سرمست از باده غرور اراده خود را بر دیگران تحمیل می‌کرد که جنگ شش روزه (خرداد ۱۳۴۶) علیه ۱۱ ارتش کشور عربی نمونه روشن از اجرای دکترین بن گوریون است.

۳- عملیات طوفان الاقصی تاریخ صهیونیزم را به قبل و بعد از این عملیات تقسیم کرده و کمر تروریست‌های صهیونیست را درهم شکسته و آنان را در سرازیری فروپاشی و نابودی قرار داد. ۱۰ ماه از حملات وحشیانه و یورش‌های بی‌وقفه رژیم جنایتکار صهیونیستی مدعی چهارمین ارتش جهان (و با حمایت، همکاری مستقیم و هدایت امریکا به عنوان اولین ارتش جهان) به مظلومین مقتدر غزه می‌گذرد و نظام سلطه نه تنها به هیچ کدام از اهداف سه گانه خود دست پیدا نکرده بلکه روز به روز بر وخامت اوضاع تروریست‌های صهیونیست افزوده شده و آنان را به نقطه پایان نزدیک‌تر ساخته است. در چنین شرایطی اشغالگران صهیونیست برای تغییر وضعیت میدان به نفع خود و از سر استیصال و ناامیدی و در اوج ذلت پذیری به شغل اصلی خانوادگی رو آورده و مسیر ترور رهبران مقاومت را در پیش گرفته‌اند.

۴- عملیات تروریستی علیه بخش کنسولی سفارت ایران در دمشق با انجام عملیات فوق تصور و تحقیر کننده وعده صادق پاسخ داده شد. عملیات وعده صادق هر چهار رکن دکترین بن گوریون را به طور یک جا و برای اولین بار درهم شکست. تروریست‌ها تا لحظه اجرای عملیات وعده صادق به هیچ‌وجه باور نداشتند که جمهوری اسلامی ایران درصدد هدف قرار دادن عمق اراضی اشغالی طی بزرگ‌ترین عملیات پهپادی-موشکی تاریخ باشد. پهپادهای از رده خارج شده و موشک‌های ایران از سد مدرن‌ترین سامانه‌های ره‌گیری، راداری و پدافندی ارتش‌های به میدان آمده ۲۷ کشور و اشغال آسمان با ۲۰۰ هواپیمای مجهز به سیستم‌های ره‌گیری و هفت لایه پدافند ایجاد شده توسط امریکا و سیستم‌های پدافندی صهیونیست‌ها عبور کرده و با کم‌ترین مانع به عمق اراضی اشغالی رسیدند. «بن گویر» وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی صریحاً اعتراف کرد که دو پایگاه هوایی اسرائیل به طور کامل تخریب و ویران شده است؛ موضوعی که کاملاً از سوی اشغالگران صهیونیست سانسور شد.

۵- رژیم صهیونیستی در عکس‌العمل ذلیلانه و عاجزانه نسبت به پیروزی‌های پی درپی محور مقاومت (به ویژه عملیات پهپاد یافای رزمندگان یمن که به اقرار سران رژیم، آنان را به بچه کتک خور منطقه تبدیل ساخته) و به منظور رهایی از باتلاقی که در آن گیر افتاده و کم کردن فشار افکار عمومی بین‌المللی، با انتخاب استراتژی گاو خشمگین (که با پتک توی سرش زده‌اند و دیوانه وار به در و دیوار می‌زند) و با هماهنگی مستقیم امریکا و با این برآورد و توجیه که اسرائیل دشمن خود را که در لیست ترور بوده کشته و هیچ خونی از دماغ ایرانی‌ها بر زمین نریخته و با اطمینان پیامدهای حقوقی سنگین هرگونه اقدام ایران، به منظور جابه‌جایی برنده و بازنده به این جنایت دست زده است.

۶- جمهوری اسلامی ایران با طرح موضوع حقوقی و معتبر «خون‌خواهی میهمان» در اوج اقتدار و عزتمندی، مصمم به تنبیه سخت و پشیمان کننده تروریست‌ها است. بسیاری از رسانه‌های غربی از جمله وال استریت ژورنال و برخی از افراد مطرح در غرب از جمله جان بولتون از قدرت بازدارندگی و توان پیمان‌سازی و عزم جدی جمهوری اسلامی ایران برای پاسخگویی در قالبی متفاوت از وعده صادق و سراسیمگی و وحشت در اردوگاه صهیونیست‌ها و هم پیمانان غربی آنها می‌گویند. حجم و شکل خون‌خواهی ایران هر میزان و شکلی که باشد یک اصل ثابت شده را به جهان مخابره می‌کند و آن اینکه چهار اصل دکترین بن گوریون نابود شده و رژیم صهیونیستی امکان بازگشت به گذشته خود را نداشته و زودتر از آنچه تصور می‌شود نابود خواهد شد و تحقق فرمایش حکیم و پیر فرزانه و امام راحل را نوید می‌دهد که «اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود».

خبر آخر

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس:

ترور «هنیه» در تهران حاصل نفوذ نبود

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی به نقل از معاون نیروی قدس گفت: او به این موضوع تاکید کرد که ترور شهید هنیه حاصل نفوذ نبوده و اقدامات لازم در حال انجام است.

به گزارش ایرنا، ابراهیم رضایی درباره نشست دیروز کمیسیون امنیت ملی وسیاست خارجی مجلس شورای اسلامی به خبرنگاران گفت: دومین نشست کمیسیون به منظور بررسی ترور شهید اسماعیل هنیه امروز (دیروز) در محل کمیسیون با حضور معاون اطلاعات نیروی قدس، معاون امنیت وزیر اطلاعات، معاون امور مجلس سپاه پاسداران و معاون امور حقوقی و مجلس وزارت اطلاعات برگزار شد.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با بیان اینکه اسماعیل هنیه میهمان رسمی جمهوری اسلامی ایران بود که به صورت رسمی به تهران سفر کرد، یادآور شد: معاون نیروی قدس تاکید کرد ترور شهید هنیه حاصل نفوذ نبوده و در این حادثه موضوع نفوذ مطرح نیست. اما اقدامات لازم در خصوص ترور و تکمیل اطلاعات آن در حال انجام است که به بررسی دقیق و زمان نیاز دارد. رضایی با اشاره به ارائه گزارش معاون امنیت وزارت اطلاعات در این خصوص گفت: او گفت که اشراف اطلاعاتی مناسبی وجود دارد و از همه امکانات برای بررسی ابعاد ترور شهید هنیه استفاده شده و اقدامات میدانی وسیع و بزرگی در حوزه آفندی علیه رژیم صهیونیستی در حال انجام است.

گزارش

جعفر برزگر

گزارش «جوان» از آدرس‌های غلط روزنامه اصلاح‌طلب

مصادره ایده «دولت وفاق ملی» به نفع مطرودین امام!

رادیکال‌های اصلاح‌طلب این بار در زرورق بررسی تاریخی تلاش دارند خواسته‌ها و راهبردهای خود را بر ایده «دولت وفاق ملی» مسعود پزشکیان بار کنند. تهی کردن این ایده از بار معنایی خود و دوختن جامه‌ای که بر اندام این گزاره ناجور است، هدف انتشار مطلب «دولت وحدت ملی دموکراتیک» در شماره دیروز روزنامه هم‌میهن است. «تبارشناسی نظری و تاریخی الگویی از ساختار سیاسی که با انتخاب مسعود پزشکیان بیش از همیشه محل بحث واقع شده است» مسیری است که تاریخ به کمک طلبیده شده تا مراد رادیکال‌ها از مفهوم دولت وفاق ملی را اثبات کند اما به بیراهه رفته و سر از ناکجاآباد در آورده است.

واژه‌ها و عبارت‌ها هرچند بار معنایی خاصی دارند که به صورت عرفی و قراردادی برای همگان یا اکثریتی از جامعه و مخاطبان قابل فهم است اما استخدام واژه‌ها از سوی افراد مختلف گاهی با معانی مختلفی انجام می‌شود تا مراد و منظور نویسنده حاصل شود.

دولت وفاق ملی پزشکیان یا وحدت ملی دموکراتیک رادیکال‌ها؟

مسعود پزشکیان به عنوان رئیس دولت چهاردهم چه در مناظرات انتخاباتی و چه بعد از پایان رقابت‌های انتخاباتی که کلید پاستور در اختیار او قرار گرفت از همگرایی در سطح ملی سخن گفت که محمد جواد ظریف به عنوان یکی از مشاوران اصلی پزشکیان این راهبرد را ذیل دولت وفاق ملی تعریف کرد که متفاوت از دولت ائتلافی است. روند پرشتاب تحولات و فرصت اندک بعد از شکل‌گیری دولت، هنوز به پزشکیان و مشاوران او این امکان را نداده که مراد و منظور خود را از ترکیب دولت وفاق ملی به درستی و به تفصیل تبیین کنند. همین امر منجر به روایت‌سازی‌های ناروا از سوی رادیکال‌های اصلاح‌طلب شده است.

روزنامه هم میهن آغازگر مصادره و تحریف ایده دولت وفاق ملی پزشکیان است. دور از ذهن نیست که انتشار این مطلب و دست زدن به این نوع روایت‌سازی را با هدف فشار به رئیس‌جمهور در آستانه معرفی وزرای دولت به مجلس تحلیل کنیم تا افرادی که ملاک‌های مدنظر قانون و رئیس‌جمهور را ندارند با سهم خواهی‌های پشت پرده به پزشکیان تحمیل شوند.

روزنامه هم‌میهن بررسی تاریخی و نظری مفهوم دولت وحدت ملی را هدف انتشار مطلب خود عنوان کرده است. اشتباه اول در همین ابتدای متن شکل می‌گیرد، چراکه مسعود پزشکیان هیچ گاه معتقد به دولت وحدت ملی با ادبیاتی که در مطلب به کار رفته و تداعی دولت‌های ائتلافی است نبوده و مدعای آن را هم نداشته است. با همین نگاه و فهم غلط، عکس پزشکیان در کنار عزت‌الله سحابی، ابراهیم یزدی و محمد خاتمی قرار می‌گیرد که نه برای مخاطب و نه احتمالاً برای نویسنده مطلب که سردبیر روزنامه هم است نسبت و ربط این افراد معلوم نیست و نویسنده مشخص نمی‌کند که پزشکیان چه از لحاظ گفتمانی و چه از لحاظ رویکردی چه ربطی به یزدی و سحابی دارد.

پزشکیان از وحدت و وفاق درون نظام سخن گفته اما نویسنده سعی کرده ایده پزشکیان را به وحدت بین پوزیسیون و اپوزیسیون معنا کند و به همین بهانه ذیل چتر دولت وفاق ملی، مغضوبین ومطرودین امام و انقلاب را قرار دهد که بیشتر به رمانتیسم سیاسی شبیه است تا تحلیل واقع نگر در عالم سیاست.

نویسنده دولت وحدت ملی را محصول وضعیت بحرانی در جامعه ایران می‌داند و می‌نویسد: «از این رو، می‌توان در شرایطی که احساس خطر رخ دهد، انتظار داشت که روزنه‌ای گشوده شود و دو طرف (پوزیسیون و اپوزیسیون) به تفاهمی حداقلی برسند. به نظر می‌رسد در یک دهه گذشته، این اتفاق دوبار رخ داده است، یک بار در سال ۱۳۹۲ و یک بار هم در همین اتفاق انتخابات اخیر ۱۴۰۳. اگر توجه کنیم، در این دو دوره از انتخابات موارد مشابهی به چشم می‌آید. یکی اینکه، هر دو دوره پس از یک مرحله ستیز و تشدید شکاف دولت-ملت رخ داده است که این شکاف را به سطح "گسست دولت-ملت" نزدیک کرده است».

بنابراین دولت پزشکیان و ایده وفاق ملی او را ذیل شکاف دولت و ملت تحلیل می‌کند و می‌نویسد: «چنانچه در همین دوره کنونی در سطحی قرار داریم که همه ملت خود را ذیل حاکمیت نمی‌بینند و حاکمیت نیز همه ملت را به آن معنا به رسمیت نمی‌شناسد و حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی همه افراد جامعه را عملاً رعایت نمی‌کند و چنین برداشت می‌شود که بخش زیادی از مردم را شهروند درجه ۲ می‌بینند. انتخابات سال ۹۲ بعد از اعتراضات ۸۸ بود که ما چه در سطح اجتماعی و چه در سطح نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شاهد گسست میان حاکمیت و ملت بودیم. خروجی وضعیت آن بود که شکاف زیاد شد و به سمت یک گسست کامل رفت و گویی، رابطه حاکمیت با ملت و نیروهای سیاسی- اجتماعی به مویی رسید؛ اما پاره نشد».

حتی اگر با تحلیل نویسنده هم همراه شویم باید پرسید که نهضت آزادی کدام طبقه و طیف را در جامعه نمایندگی می‌کند که قرار است با ائتلاف با این گروه شکاف دولت و ملت ترمیم و التیام پیدا کند.

در بخش دیگری از این مطلب نویسنده، ایده وفاق ملی پزشکیان را به ایده آشتی ملی خاتمی که در دهه ۹۰ طرح شد، پیوند می‌زند و می‌نویسد: «مقطع بعدی که این بحث به شکل دیگری مطرح شد، از سوی آقای خاتمی در دهه ۱۳۹۰ بود. بعد از اعتراضات سال ۸۸ و در ادامه، روی کار آمدن آقای روحانی در انتخابات ۱۳۹۲، آقای خاتمی بحث "آشتی ملی" را مطرح کرد. البته، ایشان پیش از آن هم در سال ۱۳۹۰ بحث به رسمیت شناختن دو طرف و کوتاه آمدن دو طرف را با هدف التیام آسیب‌های پس از انتخابات ۱۳۸۸ مطرح کرده بود و پیرو آن در انتخابات مجلس نهم، به‌رغم مخالفت مجموعه اصلاح‌طلبان، آقای خاتمی شخصاً رفت و در دماوند رأی داد. با این حال، پیشنهاد آشتی ملی در اواسط دهه ۱۳۹۰ هم با پاسخ منفی صریحی از سوی رهبری مواجه شد».

بنابراین نویسنده روزنامه هم‌میهن دچار خبط آشکار شده یا ایده پزشکیان را متوجه نشده یا اینکه عمداً سعی کرده که بر این ایده، خواست خود را بار کند. وفاق ملی آن‌طور که در ادبیات رئیس‌جمهور و نزدیکان او همچون ظریف معلوم است، استفاده از نخبگان درون حاکمیت و باورمندان به قانون‌اساسی و ولایت فقیه است نه کسانی که روبه‌روی انقلاب ایستادند و خارج از چارچوب‌های رسمی هستند. مثل نهضت آزادی که مغضوب امام بود و اکنون معلوم نیست روزنامه اصلاح‌طلب هم‌میهن چرا ایده وفاق ملی پزشکیان را به وحدت و سهم دادن به نهضت آزادی و افراد و جریاناتی از این دست تعبیر و ترجمه می‌کند. دولت وفاق ملی استفاده از نخبگان درون حکومت است نه واگذار کردن حکومت به ضد انقلاب.

خبر

رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه:

انتقام ایران غافلگیرانه و خارج از سناریوهای اسرائیل است

رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه می‌گوید: انتقام از اسرائیل طراحی شده است، غافلگیرانه خواهد بود و در چارچوب سناریوهای پیش‌بینی شده اسرائیل نخواهد بود.

حجت‌الاسلام حسین طائب در دوره دانش‌افزایی و توانمندسازی مسئولان و اعضای شورای بسیج اساتید کشور، با بیان اینکه امریکایی‌ها برای ورود به ایران و جامعه ایران نقشه کشیده‌اند، گفت: آنها هم‌زمان به دنبال نفوذ در ایران و تسلط بر فضای امنیتی، سیاسی و فرهنگی کشور ما هستند و در همین راستا قصد دارند بر منطقه نیز تسلط پیدا کنند. وی با تأکید بر اهمیت آمادگی ایران در برابر نقشه‌های امریکا، بیان کرد: ما باید در سه محور بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی آماده باشیم و اقدامات لازم را برای مقابله با نفوذ و تسلط امریکا انجام دهیم. این مسئله نیازمند برنامه‌ریزی و همکاری همه‌جانبه است تا بتوانیم از این چالش‌ها سربلند بیرون بیاییم.

رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه، با اشاره به تحولات منطقه‌ای و راهبردهای امریکا و اسرائیل در برابر ایران، تأکید کرد: امریکا که ۱۱ ناو هواپیمابر دارد، در مواقعی تهدید می‌کند که دو ناو هواپیمابر به منطقه می‌آورد و با ایجاد پدافند یکپارچه، مانع حملات گروه‌های مقاومت به اسرائیل می‌شود. اما تجربه نشان داده است که این تهدیدات در نهایت بی‌اثر می‌مانند. امریکا در زمان داعش ائتلاف دریایی با بیش از ۳۰ کشور تشکیل داد، اما این ائتلاف نیز نتوانست جلوی پیشرفت گروه‌های مقاومت را بگیرد. حتی در حمله به یمن نیز، پنج کشور اعلام آمادگی کردند، اما در حمله به انصارالله تنها امریکا و انگلیس حاضر به حمله شدند و در نهایت، انصارالله ناو هواپیمابر امریکایی‌ها را هدف قرار داد.

رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه، افزود: جمهوری اسلامی ایران در عملیات وعده صادق نشان داد که قادر است موشک‌های خود را از خاک ایران به سرزمین‌های اشغالی شلیک کند و امریکا و اسرائیل را وادار به تجدیدنظر در راهبردهای خود کند. در پاسخ به این تحولات، امریکا و اسرائیل به همراه اروپایی‌ها تلاش کردند تا پدافندی منطقه‌ای ایجاد کنند که بتواند موشک‌ها و پهپادهای ایران را قبل از خروج از فضای ایران هدف قرار دهد. این تلاش‌ها در نهایت به آرایش نظامی گسترده‌ای منجر شد که به رغم تمام تدابیر، نتوانست مانع از شلیک موشک‌های ایران به سمت اسرائیل شود. طائب افزود: نتانیاهو و مخالفانش هر دو به این باور رسیده‌اند که اسرائیل در آستانه فروپاشی است و اگر اوضاع به همین شکل ادامه یابد، دولت یهودی ممکن است تا سال ۲۰۲۸ از بین برود. نتانیاهو و جریان‌های تندرو و محافظه‌کار همگی بر این عقیده‌اند که اسرائیل تا ۸۰ سالگی‌اش دوام نخواهد آورد و باید به دنبال راه‌حل‌های جدیدی برای مقابله با چالش‌های پیش‌رو باشد. این مقام اطلاعاتی سابق گفت: به فضل الهی، انتقام از اسرائیل با طراحی سناریویی جدید و غافلگیرانه انجام خواهد شد و دشمنان انقلاب اسلامی باید بدانند که ایران همواره آماده مقابله با تهدیدات و دفاع از حقوق خود است.

ویژه

آقای عبدی! این توییت را معنا کن

عباس عبدی، روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب که با پیروزی دکتر پزشکیان و عضویت در شورای راهبری انتخاب کابینه، فعالیت‌های سیاسی خود را پررنگ‌تر از گذشته از سر گرفته و گویی این روزها به اعتبار همان شورا، احساس مالکیت در دولت چهاردهم می‌کند، در مقام وکیل مدافع و در جدیدترین توییت خود، «تندروها» را متهم کرده که با فشار روی دولت، می‌خواهند کشور را به سمت درگیری نظامی سوق دهند!

اشاره عبدی به «مطالبه عمومی» مردم از نظام اسلامی است که باید به اقدام جنایتکارانه رژیم صهیونیستی در ترور شهید هنیه، پاسخ سخت و قاطعانه بدهد. اما او کوشیده است این مطالبه ملی را در حد یک گروه فشار تندرو موهوم تقلیل دهد. عبدی نوشته: «با این فشاری که تندروها برای ورود به درگیری نظامی می‌آورند، آن هم به دولت، کم کم همه باید متوجه شوند که ماجرا چه بوده؟»

دکتر عبدالله گنجی، فعال رسانه‌ای از عبدی پرسیده این فشار ادعایی شما کجاست و چرا ما نمی‌بینیم و نمی‌فهمیم؟ او سپس ادامه داده از نوشتار عبدی این گونه برداشت می‌شود که «ترور هنیه توسط تندروهای داخلی! انجام شده که جنگی را شروع کنند.»

پاسخ عبدی به این پرسش گنجی هم، مبهم و همچون توییت اول، مصداق تشویش اذهان عمومی است: «در اینکه اسرائیل پشت این اقدام بوده، طبعاً تردیدی نیست، ولی روشن است که فشار تبلیغی به تصمیم‌گیران برای پاسخ به هر قیمتی، جز اینکه دست آنان را در اتخاذ موضع مناسب باز نگذارد، نتیجه دیگری ندارد.»

اینکه رژیم صهیونیستی در اقدامی آشکار و برخلاف همه قواعد و مقررات حقوقی و بین‌المللی، یک میهمان دیپلمات را در ایران ترور می‌کند و امنیت کشور را به چالش می‌کشد، موضوعی نیست که بخواهد به یک مناقشه سیاسی تبدیل شود و برخی چون عبدی به گونه‌ای بنویسند که بوی تشویش اذهان عمومی و انفعال از آن استشمام شود. اراده نظام و مطالبه قاطبه مردم بر تنبیه متجاوز است و باید رژیم صهیونیستی به خاطر این اقدام تجاوزکارانه مجازات شود. رئیس‌جمهور محترم نیز بارها در مواضع و دیدارهای خود بر این حق مشروع تأکید کرده‌اند، لیکن چگونگی و کیفیت این تصمیم در شورای عالی امنیت ملی و با مشورت دستگاه‌های مسئول مدیریت و راهبری خواهد شد. بنابراین نه این توییت‌های منفعلانه و نه آن فشارهای ادعایی و موهوم، در تصمیم این شورا اثرگذار نخواهد شد.

سایت جماران علیه نظر امام!

سایت جماران وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت امام خمینی که باید منادی نظرات و عقاید امام باشد، از قول محمدجواد حجتی کرمانی نقلی آورده که می‌تواند علیه امام باشد. در این نقل مقصر بدحجابی‌ها در کشور کسانی دانسته شدند که «سخت گرفتند و قانون بی‌خودی وضع کردند»، آیا حجتی کرمانی و جماران، نظر امام خمینی را درباره حجاب زنان نمی‌دانند؟

سایت جماران از قول حجت‌الاسلام محمدجواد حجتی کرمانی، کنشگر سیاسی اصلاح‌طلب نوشته که «امروزه زوری که به خانم‌ها می‌گویند، باعث شده که بی‌حجابی رواج پیدا کند. بی‌حجابی مسئله بدی است و من با آن مخالف هستم اما مقصر وضعیت فعلی حجاب آن‌هایی هستند که سخت گرفتند، قانون بی‌خودی وضع کردند یا بدون قانون عمل کردند یا به زنان زور گفتند و به آنان توهین و جسارت کردند.»

قانون مجازات اسلامی در سال ۶۴ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در آن برای عدم رعایت حجاب در معابر عمومی مجازات تعیین شد. در عین حال، از ۱۳۵۹، یعنی چهار سال پیش از تصویب قانون حجاب در مجلس، به دستور امام خمینی از ورود زنان بدون حجاب به ادارات دولتی جلوگیری می‌شد.

به گواه اسناد و مدارک و مقالات منتشرشده در روزنامه‌های ۱۳۵۷ اولین جرقه‌های قانونی شدن حجاب در اسفند ۱۳۵۷ یعنی کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب زده شد. ۱۶ اسفند روزنامه کیهان با این تیتر منتشر شد: «زنان باید با حجاب به ادارات بروند».

در صفحه اول این روزنامه به نقل از امام خمینی نوشته شده بود: «در وزارتخانه اسلامی نباید معصیت بشود. در وزارتخانه‌ها زن‌ها بروند اما باحجاب باشند. مانعی ندارد بروند کار کنند لیکن با حجاب شرعی باشند.»

روز بعد روزنامه کیهان با حجت‌الاسلام اشراقی، داماد امام خمینی مصاحبه‌ای انجام داد که او در این مصاحبه به بیان نظرات امام خمینی در موضوع قانون حجاب پرداخت. اشراقی در این مصاحبه گفت: «باید حجاب رعایت شود و قوانین اسلامی مو به مو اجرا گردد و در همه مؤسسات و دانشگاه‌ها به این موضوع توجه شود. اما باید در نظر داشت که حجاب به معنای چادر نیست. همین قدر که موها و اندام خانم‌ها پوشانده شود و لباس آبرومند باشد، حالا به هر شکلی مهم نیست. چادر چیز متعارفی است و بسیار خوب است. اما به خاطر طرز کار و نوع کار خانم‌ها شاید گاهی پوشاندن بدن و مو به طریق دیگر هم حجاب باشد، حرفی نیست. باید طبق نظر مبارک امام، حجاب اسلامی در سطح کشور توسط خانم‌ها با اشتیاق اجرا شود... درباره اقلیت‌های مذهبی همیشه نظر مبارک امام این بوده که آنها از هر حیث مورد احترام و حمایت باشند، اما اگر خانم‌های اقلیت‌های مذهبی هم رعایت حجاب اسلامی را بکنند چه بهتر». لذا قانون حجاب با نظر مساعد امام خمینی تصویب و اجرایی شد و ایشان حتی قبل از قانونی شدن رسمی حجاب هم ادارات را از داشتن کارمندانی بی‌حجاب برحذر داشتند.

رسانه‌های اصلاح‌طلب علیرغم ادعای پیروی از خط امام، گفت‌وگوی حجتی کرمانی را با ذوق‌زدگی پوشش داده‌اند. در این میان وضعیت سایت جماران بدتر است. این رسانه چنانچه از اسم آن برمی‌آید باید در خدمت حفظ و نشر آثار امام باشد، اما عملاً خلاف نظرات امام عمل می‌کند و در حالی که رسانه‌های دفتر حفظ و نشر آثار امام طبعاً باید فراجناحی باشند، سایت جماران رسانه‌ای کاملاً جناحی و در خدمت جریان اصلاح‌طلب است و حمایت‌های آن از اصلاح‌طلبان و خصوصاً در جریان انتخابات عیان و علنی و روشن است.

ستون دوشنبه‌ها

از حاشیه تا متن

تقی دژاکام
روزنامه‌نگار

فاتحه‌خوانان جدید آقای سکوت!

حدود ۴۰ روز از آغاز عملیات طوفان الاقصی گذشته بود که ویدئویی از رئیس‌جمهور اسبق کشورمان در یوتیوب منتشر شد که در کمال تعجب وی در آن تلویحاً از حق حیات اسرائیل در کنار فلسطینی‌ها دفاع کرده و با انکار اظهارات مکرر قبلی خود، افزوده بود: «من نگفته‌ام که اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود.» وی خواستار – به تعبیر خودش- «راهکاری انسانی» و «انسان‌مدارانه» برای حل و فصل مشکلات ایران و اسرائیل و فلسطین شده و تهدید ایران در استفاده از زور و بمب و موشک علیه اسرائیل را کارساز ندانسته و گفته بود: «باید به سمتی برویم که اراده انسان‌ها حاکم شود» و حرکت به سمت تقابل نظامی ایران و اسرائیل را نادرست تلقی کرده بود.

البته معلوم نبود این ویدئو مربوط به قبل از عملیات هفتم اکتبر و جنایات و نسل‌کشی تاریخی اسرائیل است یا بعد از آن، اما چیزی که معلوم بود وی از ابتدای این فجایع تاریخی سکوت شگفت‌آوری داشت و اصرار داشت لام تا کام حرف نزند و موضعی نگیرد.

امثال ما دوستداران سابق او هم با لطایف‌الحیل کوشیدیم با یادآوری آموزه‌های دینی و احساسات انسانی و حتی نشان‌دادن موضعگیری‌های بازیگران فیلم‌های پورن او را بر سر غیرت بیاوریم که در برابر این همه جنایات ساعت به ساعت صهیونیست‌ها حرفی بزند، موضعی بگیرد، عطسه‌ای بکند و حداقلی از علایم حیات از خود بروز دهد، اما موفق نشدیم.

ماجرا هنگامی جدی‌تر شد که در ایام انتخابات ریاست جمهوری امسال حتی دوستان نزدیک فعلی او تلاش کردند او را حداقل برای رأی‌دادن به پای صندوق بکشانند و او حتی حاضر نشد در منزل خود را به روی این دوستان صمیمی باز کند! این‌بار فقط ما منتقدان سال‌های اخیر او نبودیم که از رفتارهای او تعجب می‌کردیم. حالا کسانی که از سال‌ها پیش برای نشر نظریه‌های او کانال پربازدید تلگرامی راه انداخته بودند، با سرسختی او مواجه شده بودند.

شگفت‌آورترین بخش ماجرا اینکه در ماجرای شهادت مجاهد بزرگ فلسطینی اسماعیل هنیه هم این سکوت ده و نیم ماهه ادامه یافت و سیاستمدار پرسروصدای آن‌روزهای ایران و جهان، در حد کلمه‌ای و پیامی و توییتی در این باره واکنشی درباره این تروریسم آشکار نداشت. حالا ما مدت‌ها بود که دیگر برایمان بود و نبود محمود و سکوت‌ها و خفقان‌هایش فرقی نداشت، اما باز هم همین دوستان کانال معروف طرفدار او با اشاره به توییت فوری احمدی‌نژاد پس از ترور نمایشی ترامپ خطاب به او نوشتند: «جنابعالی صحبت‌کردن را خوب بلدید و اتفاقاً به نظر می‌رسد خیلی هم اهل سکوت و این چیزها نیستید؛ کما اینکه بعد از ترور نمایشی ترامپ خیلی سریع در توییتر به طور ضمنی ترور وی را محکوم کردید. اما اینکه چرا در تمام ۱۰ ماه گذشته درباره جنایات اسرائیل و قتل عام مردم مقاوم فلسطین سکوت کرده‌اید و حتی ترور اسماعیل هنیه در خاک ایران و تجاوز اسرائیل به کشور باعث نشد حتی یک نشانه حیات از خود نشان بدهید جای علامت سؤال بزرگ است. ظاهراً جنابعالی دیگر خود را از صف جنوب جهان جدا کرده‌اید و به ناسیونالیسم افراطی و نفرت‌انگیز و نژادپرست اروپایی- امریکایی پیوسته‌اید، با ترامپ همذات‌پنداری می‌کنید و آن‌طور که از کانال‌های خبری تحت مدیریت مستقیمتان برمی‌آید ترامپ و رهبران راست جهانی ناسیونالیست را بسیار می‌ستایید. ما که تا دم در خانه‌تان هم برای مصاحبه و فهمیدن این جهان‌بینی کج و معوج شما آمدیم و در را باز نکردید. بالأخره سکوت درباره نگاه امروزتان به جهان کمکی به شما نمی‌کند و ما هم مایلیم بدانیم احمدی‌نژاد همراه چاوز چطور امروز به احمدی‌نژاد غمخوار ترامپ تبدیل شده است؟»

حالا نوبت معاون مشایی در دوران سردفتری ریاست جمهوری است که مثل همه این روزها و سال‌ها برای رئیس سابقش توجیه بتراشد. او در صفحه مجازی‌اش بدون اینکه به روی خودش بیاورد حالا این دوستان گرمابه و گلستان و جوانان ضد امپریالیست دوست او تا همین چند هفته پیش‌اند که منتقد او هستند نه فقط کسانی که برای ریاست جمهوری او در ۸۴ و ۸۸ تلاش کردند، نوشت: «شما نسبت به این شخص دچار نوعی لجبازی کودکانه شده‌اید که موجب واکنش‌های پارادوکسیکالی و مازوخیسمی شده است. چرا از کسی که منحرف نامیدیدش توقع دارید مواضع همسو با شما اتخاذ کند؟ مگر نمی‌گفتید او مرده سیاسی است؟ آیا در قاموس شما مرده حرف می‌زند؟»

فارغ از اینکه تعجب دوستان و همراهان احمدی‌نژاد از این است که اگر ساکتی و اگر حرف نمی‌زنی چطور برای ترور ترامپ بلدی توییت بزنی اما برای ترور مجاهد بزرگ فلسطینی نه! و فارغ از اینکه سیاست و کنش سیاسی را نباید مانند قهرهای دخترکان خردسال دانست که به کوچک‌ترین زخم زبانی کنار می‌گیرند و صحنه بازی را ترک می‌کنند، اما باز هم توییتی که در همین باره در کانال مکتوبات بازنشر شد، پاسخی به این دوست قدیمی است که:

«صحبت‌کردن یا نکردن احمدی‌نژاد از نسل‌کشی در غزه یا ترور اسماعیل هنیه یا پیروزی مادورو در ونزوئلا و آشوب‌های رنگین امریکایی بعد آن که شبیه انتخاب دوم او بود، ابداً اهمیتی ندارد. جهان مقاومت و ملل مستضعف جهان با سده‌ها تاریخچه مبارزاتی علیه نژادپرستی، اشغالگری و سلب اراضی، نسل‌کشی و به بردگی کشیدن انسان‌ها مگر معطل اوست؟ حتی تصور آن هم خنده‌دار است. اینکه ما هم اینجا گاهی تلاش می‌کنیم بر این پیکر رو به زوال چوبی بزنیم و از خواب بیدارش کنیم، به خاطر اندوه و غصه ماست. اندوه خاموش‌شدن یک ستاره در این آسمان بیکران و زیبای ضد امپریالیستی و فوت‌کردن به شمعی رو به اضمحلال به امید دوباره سوختن...! وگرنه ما خیلی پیش از اینها به قول خودش فاتحه را خوانده‌ایم. شما هم بخوانید.»

خبر

پژمانفر رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شد

نصرالله پژمانفر نماینده مردم مشهد به عنوان رئیس کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی انتخاب شد.

به گزارش ایرنا، در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی انتخاب رئیس کمیسیون اصل ۹۰ قانون ا